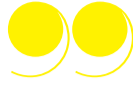


این مملکت امروز حداقل بالغ بر ۴۰-۵۰ تا بروجردی می‌خواهد که بتوانیم به آن درجه برسیم که کشور آرام آرام به همگرایی برسد و خودی و غیر خودی را کمی کنار بگذاریم و به فکر مملکت باشیم



زمانی هم که بابک حمیدیان آمد من شوکه شدم. خودش می‌گفت هر وقت که از کردستان رد می‌شدم و چهره شهید بروجردی را روی دیوار بغل می‌دیدم یا خود می‌گفتم خدایا می‌شود من یک روزی نقش این مرد را بازی کنم. آقای حمیدیان بدون هیچ ان قلتی پذیرفتند. شاید خیلی از بازیگران بیایند و بگویند من شهید بازی نمی‌کنم و خب هر کس هم برای خودش دلیلی دارد و حق هم دارد ولی آقای حمیدیان خودشان پایشان را در رکاب گذاشتند و آمدند



منابع دیگری هم بود که در حاشیه از آنها استفاده شد. همه اینها مطالعه شده بود جز به‌جز و مهم‌تر از همه نشست و برخاست با نزدیکترین آدم‌هایی که در آن روزگار با شهید بودند، آنهایی که هنوز هستند و الحمدلله بین ما زندگی می‌کنند که چه به لحاظ اخلاقی چه رفتاری و... یک چیزی بود که خیلی مهم بود.

در کنار تمام اینها تحقیقات میدانی هم وجود داشت که خیلی‌ها را من بودم و خیلی‌ها را شاید آقای عنقا بودند و برخی را با هم بودیم. تا حدود زیادی خانواده بزرگوار ایشان کمک کردند و ما سعی کردیم فیلم را از فیلتر خانواده هم رد کنیم.

چه بازخورد‌هایی در ایام جشنواره بعد از پخش فیلم دریافت کردید؟ بازخورد جدی و واقعی این بود که چه منتقد چپ و چه منتقد راست همه با هم معتقد بودند که چهار جایزه دیگر و سیمرغ قش بوده و نگرفته است. البته به دوستان گفتم که اصلاً برای من مسأله جایزه نیست و به دنبال دیده شدن فیلم هستم. بالاخره آن موقع هم گفتم که هیأت داوران حق مطلق دارد و وقتی که ترکیب هیأت داوران تصمیم می‌گیرد همه باید بگوییم مرسی و دست شما درد نکند.

آن چیز که برای من جذاب است این بود که اکثر منتقدینی که دوست ندارم اسم ببرم طی تماس‌هایی که داشتند حتی کسانی که بعد از جشنواره فیلم را دیدند، فیلم را بسیار دوست داشتند. نقد جدی و کوبیدن فیلم را من جایی ندیدم. البته با کسانی که عناد دارند و چند کامنت زیر یک پست می‌گذارند کار ندارم، کسانی که قلم دارند و یک تیتری در رسانه‌ای دارند یا در فضای مجازی کار جدی انجام می‌دهند نقد جدی نداشتند و مورد توجه همگان بود که این جای شکر داشت. چون بالاخره هر فیلمی که در این مملکت از این دست ساخته می‌شود، ۵۰ درصد موافق و ۵۰ درصد مخالف دارد و کمی هم جناحی برخورد می‌کنند.

شخصیت شهید بروجردی یک فضایی دارد که همگرایی همگانی ایجاد می‌کند و خدا را شاکرم که تا حدود زیادی در فیلم این مشهود بود و همین همگرایی عاملی شد تا دوستان به فیلم ایرادهای اساسی نگیرند البته من نمی‌گویم فیلم ایراد ندارد و به عنوان یک کارگردان خودم منتقد خودم هستم. فیلمی که دو ساعت و پنج دقیقه است باید کشش داشته باشد. خدا را از این بابت شاکرم که فیلم ۹۰ دقیقه نیست و یک چهارم بیشتر از ۹۰ دقیقه است.

برای انتخاب بازیگر نقش شهید بروجردی از همان ابتدا نظرتان بر آقای بابک حمیدیان بود یا در نهایت با تغییرات به این نتیجه رسیدید؟ صحبت من با آقای عنقا برای ساخت شهید بروجردی اول بر مبنای سریال بود و در آن زمان تصمیم بر این بود که فقط به استناد برسیم و اساساً هیچ بازیگری را در فیلم نداشته باشیم و همه چیز بکر باشد. در آن دوران دو سه نفر تست دادند و به یکی هم رسیدیم. زمانی که تصمیم تغییر کرد و پروژه سینمایی شد همه چیز تغییر می‌کرد، بنابراین در چنین لحظه‌ای به دوستان گفتم که اگر بابک حمیدیان نشود خیلی لطمه می‌خوریم. زمانی هم که بابک حمیدیان آمد من شوکه شدم. خودش می‌گفت هر وقت که از کردستان رد می‌شدم و چهره شهید بروجردی را روی دیوار بغل می‌دیدم یا خود می‌گفتم خدایا می‌شود من یک روزی نقش این مرد را بازی کنم. آقای حمیدیان بدون هیچ ان قلتی پذیرفتند. شاید خیلی از بازیگران بیایند و بگویند من شهید بازی نمی‌کنم و خب هر کس هم برای خودش دلیلی دارد و حق هم دارد ولی آقای حمیدیان خودشان پایشان را در رکاب گذاشتند و آمدند. برای ساخته شدن این فیلم به بابک حمیدیان خیلی مدیونم به خاطر



جز ایشان و بنده نداشت. برای همین در سه روز کاری را که یک ماه یا ۲۵ روز فرصت نیاز داشت توانستیم به جشنواره برسانیم. فیلم ۲ ساعت و ۳۰ دقیقه کامل بود و قبل از جشنواره با توافقی که با آقای عنقا داشتیم که البته خیلی جاها دلم می‌سوخت و اذیت می‌شدم ولی بالاخره با هم به نتیجه مشترکی رسیدیم و فیلم ۲ ساعت و ۵ دقیقه شد.

چطور کار وارد جشنواره شد؟ لحظه آخری بود؟ در جلسه‌ای که با آقای مجتبی امینی و دیگر عوامل جشنواره داشتیم من توضیح داده بودم که اگر قرار بر این باشد که کار برسد، شک نکنید زودتر از ۱۸، ۱۹ بهمن نخواهد رسید، برای همین شما فکرتان را بکنید. برای همین دوستان فیلم غریب را در جدول کار نگذاشتند.

دوستان جشنواره علاقه شدید داشتند که این فیلم برسد. من خاطرم هست که سال ۸۵ وقتی که «روز سوم» را به جشنواره می‌رساندم، آن هم شب هجدهم جشنواره اولین اکرانش در سینما فرهنگ بود. برای رساندن آن هم تحت فشار سنگینی بودم تا کار را برسانم. البته آن موقع دیجیتال نبود و مسائل لابراتوری خیلی اذیت می‌کرد.

در فیلمنامه از چه منابعی استفاده شده بود؟

منابع بسیار بود گفتم که دو کتاب اصلی «مسیح کردستان» و «جنگ ۲۰ روزه کردستان» از منابع اصلی بودند که البته

هم بگذارد متوجه این عدم توازن می‌شود و نیاز به صحبت نیست. شاید این حس من است شاید توازن بوده، من نمی‌دانم ولی از نظر من هیأت داوران متوازن نبود. البته بعد از جشنواره خیلی هم مهم نیست زیاد راجع به آن صحبت نکنیم تمام شد رفت. برخی این موضوع را مطرح می‌کنند که دوره سینمایی دفاع مقدس تمام شده است، با توجه به اینکه خودتان یک اثر دفاع مقدسی داشتید، نظر شما در مورد این گونه اظهار نظرها چیست؟

من که همیشه می‌گویم بجنید و بسازید و بگذارید تمام شود چون روزگار این طور کارها دارد به سر می‌آید هر کس می‌تواند بسازد زود شروع کند. زودتر باید این آثار ساخته شود تا دیر نشده.

نیاز فعلی جامعه به شخصیت‌هایی مثل شهید بروجردی چقدر است؟ دوستان زیادی شنیدیم که غیر از من نظر دادند. این مملکت امروز حداقل بالغ بر ۴۰، ۵۰ تا بروجردی می‌خواهد که بتوانیم به آن درجه برسیم که کشور آرام آرام به همگرایی برسد و خودی و غیر خودی را کمی کنار بگذاریم و به فکر مملکت باشیم. با این فضای سلبریتی زده امروز کشور چه باید کرد، آیا این فضا نیاز به مدیریت ندارد؟

درست است که اظهار نظر سلبریتی‌ها و تأثیرپذیری افراد جامعه اجتناب‌ناپذیر است ولی جامعه خودش آرام آرام به آن شعور می‌رسد که لطیفی اگر راجع به موضوعی حرف می‌زند می‌تواند نظر شخصی‌اش را بدهد هر کسی نظر شخصی دارد. قصاب محله هم نظر شخصی روی مسائل اجتماعی سیاسی دارد. خود جامعه به این نتیجه باید برسد و می‌رسد که خطاب به سلبریتی می‌گوید من تحت تأثیر تو قرار نمی‌گیرم. جامعه خودش باید به آن پویایی برسد و قرار هم نیست کسی در جایگاه وزیر ارشاد برابر من هنرمند موضع بگیرد چون باز همان داستان خودی و ناخودی می‌شود و بد است. باید از این فضا بیرون بیاییم.

در اظهار نظر سلبریتی‌ها جامعه دچار کج فهمی می‌شود. اگر دوستان از دست من ناراحت نمی‌شوند باید بگویم اکثر موضوعگیری‌ها برای این است که بگویند: «مردم من را ببینید» نه اینکه من هم با شما همراه هستم. در اصل می‌خواهند بگویند که آقا جان ما را ببینید، عیبی هم ندارد بالاخره هر کس هر طور دوست دارد زندگی می‌کند.

سلبریتی‌ها بعضی وقت‌ها از مردم گول می‌خورند. مردم ملاک نیستند زیرا که امروز با اظهار نظری برای حسین لطیفی سوت می‌زنند و فردا با یک کلمه حسین لطیفی ممکن است همه بخوانند گردن او را بزنند، پس ملاک عمل و حرف‌های من است و همسو بودن عمل من با حرف من است. مردم این آگاهی را دارند همان‌طور که زود آتش می‌گیرند همان طوری هم زود سرد می‌شوند. اینجا باید من و دوستانم بدانیم که نباید دنبال تأیید گرفتن باشیم و باید صرفاً هر چیز که هست همان را بگوییم.

اینکه واقعاً این مرد در طول ساخت کار مردانه و بی‌حاشیه ایستاد.

در مورد باقی بازیگران چطور؟ بله تقریباً قرار بود از ابتدا همین افراد در این نقش‌ها حاضر شوند. در مورد مهران احمدی هم که مرا می‌شناسند می‌دانند که تلاش می‌کنم نقش‌های منفی را در فیلم بدهم به آدم‌هایی که اتفاقاً همه عمرشان نقش‌های مثبت بیشتر بازی کردند و متفاوت از آنها نقش دیگری داشته باشم و به همین دلیل آقای مهران احمدی را انتخاب کردم.

سازمان اوج نگاه یا ویژگی خاصی را در اثر اصرار نداشت که ایجاد کند؟ روی موضوع خاصی تأکید نداشتند؟

صادقانه بگویم شاید حمل بر خودستایی دو نفره باشد نه یک نفره. سازمان اوج وقتی که کار را سپرد به دو نفر یعنی حامد عنقا و حسین لطیفی زیاد اصطلاحاً مداخله یا اعمال نظری نداشت، شاید نظرات دوستانه‌ای بود ولی هیچ وقت در طول این پروژه از طرف سازمان اوج نه من و نه حامد عنقا دیکته‌ای نداشتیم. آقای حسنی ضلع سوم تولید این پروژه سینمایی بود و کاری جز همراهی و همکاری برای تولید بهتر ما از او ندیدیم.

نظرتان نسبت به مجموع رفتارهایی که جشنواره با فیلم داشت چه طور است؟

من به چیزی که معتقدم همان را انجام می‌دهم. من می‌گویم هر سال یک تعداد داور هستند قاعدتاً در داوری هم سلیقه وجود دارد، مقداری روابط آدم‌ها با هم هست همه اینها مجموع می‌شود ولی آن اتفاقی که می‌افتد این است که در نهایت هیأت داوری یک رأی می‌دهد آن رأی قابل احترام است حتی اگر کاندید هم نکند. من احساس می‌کنم این است برای همین هیچ اعتراضی ندارم فقط گفتم واقعاً حق بابک حمیدیان و مهران احمدی این نبود. راجع به خودم اصلاً صحبت نمی‌کنم چون من به دنبال این نیستم که با ملاک اینکه جایزه جشنواره فجر بردهم آیا کارگردانی بلد می‌بلد نیستم یا بهترین هستم یا نیست ولی قاعدتاً بازیگر وقتی می‌آید جلوی دوربین خیلی حسش فرق می‌کند با من برای همین وقتی که اصلاً کاندید نمی‌شود معنای خوبی ندارد.

تنها چیزی که می‌توانم بگویم این است که هیأت داوری نامتوازن بود توازن قوا در هیأت داوری وجود نداشت. من بالاخره خودم داوری کرده‌ام و می‌دانم یعنی چه و سال‌هاست که گفته‌ام داوری به‌هیچ‌وجه نمی‌کنم. توازن به معنای آگاهی، سلیقه و توانایی ایستادن روی آن موضع است. ممکن است یکی ضعیف‌تر باشد و یکی قوی‌تر باشد و یا حتی همه به احترام یکی ممکن است یا دو نفر دیگر بگویند هر چه شما گفتید. این توازن است به آن معنا که شأن و اندازه داورها در کنار هم باید همیشه متوازن باشد. داوری با این شرایط می‌تواند نزدیک به عدالت باشد. هر کسی زمانی که اسامی را کنار



شخصیت شهید بروجردی یک فضایی دارد که همگرایی همگانی ایجاد می‌کند و خدا را شاکرم که تا حدود زیادی در فیلم این مشهود بود و همین همگرایی عاملی شد تا دوستان به فیلم ایرادهای اساسی نگیرند